

# اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری در تقابل با «اطلاق‌انگاری» قانون اساسی

سیدسجاد کاظمی\* و حبیب‌اله کیانی\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۱۳۷-۱۰۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

قانون اساسی برای رسیدگی به جرائم عمومی اصل بر علنی بودن آن دارد اگرچه استثنائاتی هم قائل شده است. در موارد مشخصی امکان برگزاری دادرسی به صورت علنی وجود ندارد اما در جرائم سیاسی مطابق با اصل یکصد و شصت و هشت این استثنائات وجود نداشته و محاکم ناگزیر از برگزاری تمام جلسات رسیدگی به صورت علنی و عدم ایجاد مانع برای حضور تماشاچی هستند. مع‌الاسف در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این باره به شیوه دیگری برخورد شده و برخلاف صراحت بی‌قید و شرطی که قانون اساسی در اصل یکصد و شصت و هشت در خصوص لزوم رسیدگی علنی به جرائم سیاسی داشته در این قانون (مواد ۳۰۵ و ۳۵۲) تقریباً همان اصل و استثنائات رسیدگی علنی در دیگر جرائم در باره جرائم سیاسی نیز اعمال می‌شود. این «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری هرچند با مصلحت‌اندیشی‌هایی همراه بوده، تقریباً وضعیت را به قانون اساسی مشروطه نزدیک ساخته و در مقررات دیگر کشورها از منظر تطبیقی نیز نمونه‌های مشابهی دارد، اما صراحتاً در تعارض آشکار با «اطلاق‌انگاری» اصل یکصد و شصت و هشت قانون اساسی بوده و بازنگری در آن اجتناب‌ناپذیر است از این رو قانونگذار باید در اصلاحات بعدی قانون به این موضوع اهتمام ویژه‌ای داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: جرم سیاسی؛ دادرسی کیفری؛ دادگاه؛ رسیدگی علنی؛ قانون اساسی

\*\* دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: sskazemi92@malayeru.ac.ir

\*\* استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛

Email: h.kiani@malayeru.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و شانزدهم، زمستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2201-5009

## مقدمه

اجرای عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه‌ای که در آن حقوق و آزادی‌های متهم، بزه‌دیده و سایر افراد درگیر در فرایند کیفری محترم شمرده شود، فرصت ظهور نخواهد داشت (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷: ۲۳). اصل رسیدگی علنی به جرائم یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در سنجش میزان رعایت اصول دادرسی منصفانه نظام‌های عدالت کیفری است (محمدعلی‌زاده اشکلک و رشیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۶). از این رو این اصل را یکی از حقوق بنیادین بشر و در زمره حقوق اساسی توصیف کرده‌اند. به جهت اهمیت فوق‌العاده، در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما اصل رسیدگی علنی به دادرسی‌های حقوقی<sup>۱</sup> (در برابر کیفری) و اداری<sup>۲</sup> نیز تسری یافته و در امور حقوقی نیز جاری و ساری است.

کیفیت دادرسی به‌ویژه در جرائم سیاسی که در آنها، مرتکب به جنگ نظام سیاسی مستقر رفته و با نیت ایجاد تغییری کلی یا جزئی در نظام سیاسی یا ارکان آن است از اهمیت دوچندانی برخوردار است. برخلاف جرائم عمومی که مرتکب با انگیزه‌های منفعت‌طلبانه صدماتی به نظم عمومی و دیگر افراد وارد ساخته و امنیت جانی، مالی یا اخلاقی اشخاص را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، در جرائم سیاسی فرد صرفاً به دلیل اینکه در تقابل با هیئت حاکمه و صاحبان قدرت و نه عموم جامعه و مردم عادی قرار گرفته، «متهم» تلقی شده و در صف محاکمه قرار می‌گیرد.

توجه به موضوع فوق در روند رسیدگی به جرائم سیاسی از یک طرف و تضمینی که اصل رسیدگی علنی در راستای دادرسی عادلانه ایجاد می‌کند (خندانی، عامری‌نیا و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۲۷) از طرف دیگر باعث شده حساسیت بیشتری در خصوص تأکید بر اصل علنی بودن دادرسی‌ها در جرائم سیاسی وجود داشته باشد و این اصل در این

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حیدری و حمیدیان (۱۱۸-۸۷: ۱۴۰۰).

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حاجی‌پور کندرود (۱۳۹۸).

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۱۱

جرائم یا با هیچ استثنا و قیدی مواجه نبوده یا اینکه حداقل استثنائات بر آن وارد شود. مهم‌ترین مبانی برای پذیرش و اعمال اصل رسیدگی علنی به‌ویژه در جرائم سیاسی تنها موضوع «تضمین حقوق متهم» (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۸) نبوده و از این طریق مصلحت جامعه (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۲: ۷۱) نیز تأمین خواهد شد؛ چراکه پذیرش این اصل نه تنها به نفع متهم بوده و تضمینی مهم (در کنار دیگر تضمین‌های قانونی) برای حرکت قاضی در مدار قانون و اصول دادرسی عادلانه در جریان رسیدگی به پرونده بوده،<sup>۱</sup> به‌علاوه این امکان را برای عموم جامعه فراهم می‌سازد بر نحوه صحیح اجرای عدالت کیفری نظارت داشته و اطمینان و اعتماد بیشتری به این دستگاه احساس کنند. بنابراین «نه به بهانه حمایت از منافع جامعه می‌توان حقوق و منافع فردی متهم را قربانی کرد و نه به نام تضمین حقوق دفاعی متهم می‌توان مصالح عمومی را نادیده گرفت» (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷: ۳۵).

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با اتخاذ یک رویکرد انتقادی به دنبال یافتن دادرسی مطلوب در جرائم سیاسی از نظر علنی یا غیرعلنی بودن برگزاری محاکمه در کشور ایران با مذاقه در دیگر نظام‌های حقوقی است و می‌خواهد به این پرسش یا پرسش‌ها پاسخ دهد که رویکرد نظام تقنین کیفری کشور ما در سطح قانون اساسی و قوانین عادی در خصوص اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی چگونه است؟ آیا رویکرد قانون اساسی با قوانین عادی در این خصوص هماهنگ بوده یا بین آنها تفاوت و احیاناً تعارضی وجود دارد؟ و در نهایت اینکه با مطالعه سایر نظام‌های حقوقی، چه نقد یا انتقادهایی به رویکرد متخذه در کشورمان مطرح است؟

از منظر پیشینه پژوهش باید گفت اگرچه در خصوص اصل علنی بودن دادرسی کیفری، مقالات و پژوهش‌های ارزشمند و متعددی نگاشته شده است اما این اصل در

---

۱. در این راستا شاید این عبارت از «بنتام» را بتوان ذکر کرد که بیان می‌دارد: «دادرسی علنی، خود قاضی را درحالی که رسیدگی می‌کند تحت رسیدگی قرار می‌دهد» (خندانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

قلمرو جرائم سیاسی به صورت اختصاصی پژوهش مستقلی انجام نگرفته و از این نظر، پژوهش حاضر از نوآوری برخوردار است. همچنین رویکرد این پژوهش انتقادی بوده و از پژوهش‌هایی که درباره اصل علنی بودن دادرسی در جرائم عمومی انجام شده متمایز می‌شود. از آنجاکه برای پرداختن بهتر به موضوع، ضرورت دارد برخی مفاهیم اساسی پژوهش معرفی، بسط و قلمرو آنها مشخص شود لذا در ادامه به نحو مختصر به بازشناسی دو مفهوم اساسی پژوهش پرداخته شده است.

### ۱. بازشناسی مفاهیم

در بررسی موضوع پژوهش حاضر، شناخت دو اصطلاح ضروری بوده و لذا در این قسمت به توضیح مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱. رسیدگی علنی؛ از مفهوم تا الزامات قانونی

علن به معنی آشکارا و هویدا است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۴۳۳) و از نظر اصطلاحی نیز «در مرئی و منظر عموم بودن» معنا می‌دهد (مفاد ماده (۲۱۴) مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲). در تعریف علنی بودن محاکم این گونه گفته شده است؛ «یعنی آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند. این وسیله‌ای است برای منع پاره‌ای از انحرافات» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۶۳۶).

قانونگذار در تبصره ماده (۳۵۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت منظور خود از رسیدگی علنی را ابراز داشته است؛ «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است»؛ بنابر این تبصره، افراد حق دارند در جلسات رسیدگی محاکم کیفری حضور داشته و روند عدالت کیفری را مشاهده کنند. البته حضور در جلسات دادسرا، ممنوع بوده و افراد

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۱۳

حق حضور نخواهند داشت. همچنین اگرچه واژه «افراد» افاده عموم مردم را می‌کند اما برخی اقشار از قبیل اطفال بنابر مصالح خاص اجازه حضور ندارند و رسانه‌های جمعی هرچند مجوز حضور دارند و حتی می‌توانند از جریان رسیدگی، گزارش برداشته و آن را منتشر کنند اما اولاً، هویت و مشخصات اصحاب پرونده را نباید افشا کنند (۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری) و ثانیاً، حق ضبط صدا، تصویربرداری و عکس‌برداری ندارند مگر با اجازه دادگاه (تبصره «۱» ماده ۳۵۳). پس در حال حاضر علنی بودن دادرسی از نظر قانونی با اتخاذ محدودیت‌های موجه فوق وجود داشته و قابل‌اعمال است. گفتنی است از جنبه نظری، برای علنی بودن دادرسی موانع و چالش‌هایی از قبیل مغایرت با اصل کرامت انسانی، لزوم حفظ آبروی اشخاص و حق بر حریم خصوصی مطرح شده (حاجی‌پور کندرود، ۱۳۹۸: ۱۱۷۸) اما مصالح و منافع اجتماعی متعددی که از این اصل حاصل می‌شود باعث شده اصل رسیدگی علنی به یکی از ارکان مهم دادرسی عادلانه در میان نظام‌های حقوقی مبدل شود. در انتها باید یادآور شد که علنی بودن دادرسی الزاماتی غیر از عدم ایجاد مانع برای حضور مردم در دادگاه هم داشته و شامل مواردی چون «امکان انتشار جریان رسیدگی دادگاه در رسانه‌ها، حضور متهم در دادگاه، امکان رویارویی متهم با شاهد و شاکی، مشخص بودن هویت کنشگران فرایند کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت رأی در دادگاه» (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۱۹) هم می‌شود.

## ۲-۱. جرم سیاسی؛ از «تعریف‌ناپذیری» مصلحت‌جویانه تا الزام قانون اساسی

در اغلب کشورها جرم سیاسی تعریف نشده و در بعضی کشورها نیز تنها به ارائه معیارهایی برای تفکیک آن از جرائم عمومی اکتفا شده است. برخی نویسندگان یکی از دلایل مهم این امر را «تعریف‌ناپذیری جرم سیاسی» می‌دانند (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۲). در هر صورت تعداد کمی از کشورها صراحتاً به تبیین قانونی دامنه و

قلمرو جرم سیاسی پرداخته‌اند. در فقه اسلامی نیز جرم سیاسی تعریف نشده و برخی نویسندگان جرم سیاسی را وارداتی دانسته (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۷: ۲) و آن را فاقد هرگونه مصداق یا عنوان مشابه در فقه و حقوق اسلامی قلمداد کرده‌اند. همچنین در برخی منابع با اغماض تنها از جرم «بغی» به‌عنوان تنها جرم سیاسی موجود در ادبیات فقهی و شرعی یاد کرده‌اند (پیوندی، ۱۳۸۹: ۱۶؛ زراعت، ۱۳۷۷: ۱۲). در نبود تعریف قانونی از جرم سیاسی، برخی نویسندگان خارجی تعریف‌هایی را ارائه داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، «جرم سیاسی عبارت از هر عملی است که برای یک هدف یا انگیزه سیاسی، انجام گیرد...» (Bledose and Boezek, 2014: 142) یا اینکه، «جرم سیاسی عبارت از تلاش برای سرپیچی یا لطمه زدن به یک موقعیت قدرت سیاسی، با اعمال مخالف و یا ناسازگار با قواعد سیستم سیاسی موجود...» (Sills, 2016: 246). در کشور ما تا قبل از قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، در ادوار قانونگذاری ایران (قبل و بعد از انقلاب) به‌دلیل ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های مختلف، هیچ‌گاه قانونگذار تعریفی از جرم سیاسی ارائه نداده و مصادیق آن نیز بیان نشده بود. با تدوین قانون اساسی ۱۳۵۸ و الزامی که اصل یکصدوشصت‌وهشتم این قانون برای تعریف جرم سیاسی برقرار کرده و قانونگذار عادی را به تعریف و بیان مصادیق این جرم مکلف نمود اما تا ۳۷ سال پس از تصویب قانون اساسی نیز همچنان جای چنین قانونی در مجموعه قوانین کیفری خالی بود. حتی برخی نویسندگان حقوقی نیز در راستای الزام ناشی از اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی پیشنهاد داده بودند چنین تعریفی از جرم سیاسی در ادبیات تقنین کشور ما از جانب قانونگذار پذیرفته شود؛ «جرم سیاسی در جمهوری اسلامی، جرمی است با مجازات تعزیری یا بازدارنده که شخص بدون آنکه قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی (دین و مذهب رسمی کشور و ابتدای نظام سیاسی بر ولایت مطلقه فقیه،

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۱۵

اسلامیت و جمهوریت) داشته باشد، با انگیزه نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی مرتکب یکی از جرائمی شود که به موجب قانون تعریف و مصادیق آن تعیین می‌گردد» (محبی، ۱۳۸۹: ۵). البته عدم ارائه تعریف قانونی از جرم سیاسی و بیان مصادیق آن یک «سنت تاریخی» در میان قانونگذاران کشورهای مختلف بوده و حتی در جوامع توسعه‌یافته نیز سنت تقنین «فرار از تعریف جرم سیاسی» طرفداران بسیاری دارد (رحمانی، ۱۳۹۵: ۹۳۰)؛ اما در هر حال با تصویب قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، برای نخستین بار قلمرو، مصادیق و شرایط جرم سیاسی وارد دایره قوانین کشور ما شد.

در این قانون، جرم سیاسی تعریف نشده ولی با قرار دادن معیارهایی و ذکر برخی مصادیق و شرایط، تلاش داشته نویسندگان حقوقی و البته محاکم را به تعریفی قابل قبول ارائه طریق کند. در این قانون برای وقوع جرم سیاسی، «انگیزه مرتکب» از اهمیت اساسی برخوردار بوده و باید ضرورتاً، «اصلاح امور کشور» باشد. اگر مرتکب انگیزه فوق را داشته، جرائم مقرر در ماده (۲) این قانون که در طیف جرائم عمومی قرار دارند، مبدل به «جرم سیاسی» شده و مرتکب آن از امتیازات این قانون بهره‌مند خواهد شد. مطابق این قانون برای اینکه فردی به اتهام جرم سیاسی تحت محاکمه قرار گیرد و در صورت اثبات اتهام، مجرم سیاسی تلقی شود لازم است که: اول، انگیزه وی اصلاح امور کشور باشد. پس دیگر انگیزه‌ها از قبیل منفعت‌طلبی‌های شخصی یا انگیزه‌های شریرانه، خروج موضوعی خواهد داشت. دوم، رفتار مجرمانه، «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد». اگرچه در تعاریف ارائه شده از جرم سیاسی عمدتاً هنگامی که فرد با مقاصد فوق‌الذکر حتی قصد کنار زدن و جایگزین کردن نظام سیاسی موجود را هم داشته باشد باز رفتار وی جرم سیاسی

تلقى خواهد شد (خسروی و اصغری، ۱۳۹۶: ۱۹۸) و حتی می‌توان گفت این رفتار، بارزترین و مهم‌ترین مصداق جرم سیاسی است اما قانونگذار در این قانون صراحتاً افرادی را که قصد مقابله با اصل نظام را داشته و با اقدام‌های خود قصد تغییر نظام سیاسی فعلی با نظام دیگری را داشته باشند، مجرم سیاسی تلقی نخواهند شد. با این شرط، علاوه بر افرادی که مرتکب قیام مسلحانه در برابر نظام «بعثی» بنابر مواد (۲۸۷) و (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شوند حتی اگر این مقابله بدون بهره‌گیری از سلاح نیز باشد از دایره شمول مجرم سیاسی خارج خواهد بود. سوم، فقط مصادیق جرائم مندرج در ماده (۲) قانون<sup>۱</sup> در صورت دارا بودن شرایط ماده (۱) می‌توانند جرم سیاسی محسوب شوند. سایر جرائم ولو اینکه با انگیزه اصلاح امور کشور و علیه مدیریت سیاسی نیز باشد جرم سیاسی تلقی نخواهد شد. چهارم، بنابر ماده (۳)، جرائم مصرح در این ماده از قبیل، جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه، بمب‌گذاری، آدم‌ربایی، سوءقصد، جاسوسی و افشای اسرار، سرقت و ... با هر قصد و انگیزه‌ای هم که ارتکاب یافته باشند جرم سیاسی تلقی نخواهند شد. غالب این مصادیق در رده «جرائم امنیتی» قرار گرفته و بدین ترتیب قانونگذار تفکیک میان این دو طیف جرائم را با ارائه معیارها و ضوابطی مشخص کرده است.

## ۲. بازخوانی اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی از منظر تطبیقی

در اسناد متعدد بین‌المللی درباره اصل رسیدگی علنی در جرائم سیاسی تصریح خاصی مشاهده نمی‌شود اما به‌طور کلی اصل رسیدگی علنی در عموم جرائم در این اسناد مورد شناسایی قرار گرفته و در اسناد متعددی می‌توان مصادیق آن را به‌وضوح مشاهده کرد. البته این اصل علنی بودن دادرسی (همچون هر اصل حقوقی

۱. از قبیل توهین یا افترا به مقامات، توهین یا افترا به رئیس یا نماینده خارجی در قلمرو ایران، جرائم مقرر در قوانین انتخابات و ... .



اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۱۷

دیگر) استثنائات پذیرفته شده‌ای دارد که در اسناد معتبر حقوق بین‌الملل بشری به رسمیت شناخته شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). براساس بند «۱» ماده (۱۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضا کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد اما حکم صادر امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضا نماید یا دادرسی مربوط به اختلاف زناشویی یا ولایت اطفال باشد». از این رو در شرایطی که رسیدگی خلاف اخلاق حسنه، نظم عمومی و امنیت ملی باشد از دامنه شمول اصل لزوم رسیدگی علنی خارج دانسته شده است. در جریان تدوین مقرره فوق در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، نماینده کشور فرانسه با این عبارت کوتاه و رسا که «عدالت نباید محرمانه و در خفا باشد»، به وضوح بر این ایده تأکید کرد که علنی بودن نقش اساسی در منصفانه بودن محاکمات ایفا می‌کند. از این رو در بند «۱» ماده (۶)<sup>۱</sup> کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منصفانه و علنی بودن محاکمات را در کنار یکدیگر ذکر کرده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۳۹-۲۳۸).

گفتنی است در عموم اسناد بین‌المللی اصل علنی بودن را در کنار دیگر اصول و معیارهای دادرسی منصفانه قرار داده و از آن یاد کرده‌اند. از جمله اعلامیه جهانی

---

۱. بند «۱» ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح می‌دارد: «هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب از سوی دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. نتیجه دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود. باین حال، ممکن است مطبوعات و عموم مردم از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم‌سالار که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرف‌های دعوا ضروری است یا در مواردی که تشخیص قطعی دادگاه، اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته شود».

حقوق بشر که یک سند جهان‌شمول بوده و در ماده (۱۰) خود اصل علنی بودن را در کنار دیگر اقتضائات دادرسی منصفانه و بدون محدود کردن یا نام بردن از جرم خاصی مورد تأکید قرار داده است. همچنین ماده (۶۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که تلاش داشته‌اند اصول دادرسی منصفانه را تبیین کنند و یکی از اصول مهم مورد اشاره، اصل رسیدگی علنی است. البته در همه این اسناد، قلمرو و مفهوم علنی بودن دادرسی قید نشده و به تعبیر برخی نویسندگان، «دادرسی علنی بیشتر از آنکه تعریف شود، مورد استناد قرار گرفته است» (Alemanno and Stefan, 2014: 97). گفتنی است در هر دو سند الزام‌آور مذکور، علنی بودن در دو مرحله «فرایند رسیدگی»<sup>۱</sup> و «اعلان حکم»<sup>۲</sup> را تحت تفکیک قرار داده‌اند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۳۹). بررسی آرای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر نیز ما را به این نکته دلالت می‌کند که ماهیت رسیدگی علنی هر دو جنبه فوق‌الذکر یعنی علنی بودن فرایند رسیدگی و انتشار علنی رأی را دربرمی‌گیرد.<sup>۳</sup> در هر حال در اسناد بین‌المللی قلمرو این اصل و بیان جزئیات به حقوق داخلی کشورها واگذار شده است.

پس از نگاهی گذرا به اصل رسیدگی علنی از منظر موازین بین‌المللی باید در خصوص جرائم سیاسی و نحوه رسیدگی به آنها به این مهم اشاره کرد که اگرچه در اغلب کشورها با توجه به ماهیت خاص آنها، رسیدگی به جرائم سیاسی تابع آیین خاص است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۴۶۰)، اما درباره رسیدگی علنی به این جرائم، در مقایسه با دیگر جرائم تفاوتی مشاهده نمی‌شود. به دیگر سخن اصل رسیدگی علنی

1. Publicity of Proceeding

2. Public Pronouncement of the Judgment

3. Case of Tierce and Others V. San Marino, Applications nos 24954/94 and 24972/94- July 25, (2000), para 93.

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۱۹

و استثنائات احتمالی که درباره عموم جرائم برقرار شده برای جرائم سیاسی نیز لازم‌الاجرا بوده و تفاوت خاصی چه در سطح قانون اساسی و چه قوانین عادی مشاهده نمی‌شود. برای نمونه در نظام کیفری فرانسه نه در قانون اساسی و نه قانون دادرسی کیفری این کشور مقررات افتراقی درباره رسیدگی علنی به جرائم سیاسی منظور نشده و همان مقرراتی که در مواد (۳۰۶)، (۴۰۰) و (۵۳۵) این قانون در باب اصل دادرسی علنی و استثنائات آن (خلاف نظم یا اخلاق عمومی) در بقیه جرائم (جنحه، جنایت و خلاف) پیش‌بینی شده در باب این جرائم هم اعمال می‌شود.

همین رویه در کشورهای بسیاری مورد تبعیت قرار گرفته است؛ از جمله ایالات متحده (اصلاحیه ششم قانون اساسی)، مصر (اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی)، جمهوری کره (اصول بیست و هفتم و یکصد و نهم قانون اساسی)، الجزایر (اصل یکصد و چهل و چهارم قانون اساسی) را می‌توان نام برد. اصل علنی بودن در هر دو مرحله فرایند رسیدگی و اعلان حکم صرف‌نظر از اینکه جرم تحت رسیدگی چه نوع جرمی است تحت تأکید نظام عدالت کیفری این کشورها بوده و لذا می‌توان اذعان داشت به استثنای دو موضوع خلاف اخلاق و خلاف نظم عمومی که مورد توجه و پذیرش همه کشورهای فوق‌الذکر و دیگر کشورها بوده، اصل علنی بودن به‌طور عام و مطلق در رسیدگی به جرائم سیاسی مورد قبول قرار گرفته است.

### ۳. رویکرد قانون اساسی به اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی

در این قسمت طی دو بند ابتدا به رویکرد قانون اساسی مشروطه پرداخته و در ادامه قانون اساسی سال ۱۳۵۸ را درباره موضوع رسیدگی علنی جرائم سیاسی به‌بوته نقد می‌گذاریم.

### ۱-۳. قانون اساسی مشروطه

قانون اساسی مشروطه که اولین قانون اساسی ایران بود و در سال ۱۲۸۵ شمسی به امضای مظفرالدین شاه قاجار رسید به‌رغم تحولات اساسی و بنیادینی که در امور کشورداری و سیاسی ایجاد کرد اما تصریحی راجع به کیفیت رسیدگی به عموم جرائم از نظر علنی یا غیرعلنی بودن و همچنین جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) نداشته و اصول آن بیشتر درباره طرز کار مجلسین (شورای ملی و سنا) بوده است به‌نحوی که در آغاز حتی برای آن تعبیر «نظام‌نامه» به کار می‌رفت؛ اما در متمم قانون اساسی که تحت فشار انقلابیون مشروطه به امضای محمدعلی شاه قاجار در سال ۱۲۸۶ شمسی رسید اصولی از این قانون به حقوق ملت اختصاص یافت که در میان آنها به تبعیت از قوانین اساسی کشورهایمانند فرانسه و بلژیک (رحمانی، ۱۳۹۵: ۹۵۵)، دو اصل به رسیدگی علنی در محاکم اختصاص یافته بود. اصل هفتاد و هفتم این قانون تصریح می‌داشت: «انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد. در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلان می‌نماید؛ و بدین ترتیب، «اصل» را بر علنی بودن تمام محاکمات می‌دانست و استثنائات این اصل را در دو مورد خلاصه می‌کرد: مخل نظم یا منافی عفت بودن محاکمه.

به‌علاوه در اصل هفتاد و هشتم که به جرائم سیاسی و مطبوعاتی اختصاص داشت آمده بود: «در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آرا جمیع اعضا محکمه شود». لذا در این جرائم بدون ذکر از اینکه در چه موارد و مصادیق مشخصی امکان رسیدگی غیرعلنی وجود دارد، یک معیار و مبنای کلی را برای غیرعلنی کردن محکمه قرار داده بود؛ «محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد». مشخص است این معیار کلی که دامنه و محدوده آن مشخص نشده بود قابلیت تفسیر داشته و از این رو در همه سال‌های بعد از آن محاکم به بهانه

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۲۱

مصلحت محرمانگی از رسیدگی علنی جرائم سیاسی خودداری کرده به نحوی که «رسیدگی غیرعلنی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی» تقریباً به یک اصل مبدل شده و موارد رسیدگی علنی به این طیف جرائم، به برخی دوره‌های سیاسی خاص محدود می‌شد که آزادی‌های مدنی بیشتر بود (مثلاً پس از تبعید رضاشاه و تا قبل از تثبیت قدرت محمدرضا شاه). گفتنی است قانون اساسی، «اتفاق نظر جمیع اعضا» دادگاه را برای غیرعلنی کردن محاکمه ضروری می‌دانست ولی به هر حال این امر شرط مهمی نبوده و در عموم موارد، قضات محاکمه‌کننده نیز با طیب خاطر رأی به غیرعلنی بودن محاکمه داده و نحوه رسیدگی خود را از انظار و افکار عمومی پنهان می‌داشتند. این موضوع به خصوص در سال‌های انتهایی حکومت پهلوی نمود بیشتری داشت به نحوی که روزانه و هفتگی جلسات محاکمه زیادی درباره متهمان سیاسی و مطبوعاتی تشکیل می‌شد ولی اکثر قریب به اتفاق آنها دور از انظار بوده و به صورت غیرعلنی انجام می‌یافتند و بدین طریق متهم را از امتیازات متعدد جرائم سیاسی از قبیل رسیدگی علنی، حضور هیئت منصفه و ... محروم می‌ساختند.

## ۲-۳. قانون اساسی فعلی

در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ مشابه قانون اساسی مشروطه اصل علنی بودن محاکمات در عموم جرائم پذیرفته شد و مطابق اصل یکصد و شصت و پنجم این قانون «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». همان‌گونه که مشخص است این قانون در سه مورد (منافی عفت، خلاف نظم عمومی یا با تقاضای طرفین (هر دو طرف) در دعاوی خصوصی) می‌تواند محاکمه را غیرعلنی اعلام کند. موارد و مصادیق منافی عفت با توجه به اینکه در قوانین جزایی تعریف و دسته‌بندی مشخص داشته قابل احصا بوده

اما دو مورد دیگر مبهم و قابلیت تفسیر دارند. تشخیص اینکه رسیدگی به پرونده‌ای ممکن است در یکی از این مصادیق جای بگیرد با مقام قضایی رسیدگی کننده بوده و در هر حال با توجه به واژگان مورد استفاده و سیاق عبارات، امکان اختلاف نظر و رویه در این موارد خلاف اصل، همیشه وجود دارد. ولی به هر حال به نظر می‌رسد قانونگذار عمداً و با استفاده از واژگان و اصطلاحات کلی، رویکرد مصلحت‌اندیشانه‌ای را برگزیده تا دست محاکم را برای انتخاب نحوه رسیدگی باز گذارد.

اما در اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ که اختصاص به جرائم سیاسی و مطبوعاتی دارد، قانونگذار ضمن واگذاری تعریف جرم سیاسی و تعیین هیئت منصفه به قوانین عادی، اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی را مورد پذیرش قرار داده اما برخلاف قانون اساسی مشروطه که ذکر آن در بالا رفت و همچنین متأثر از شرایط سیاسی و انقلابی ایام آغازین انقلاب، هیچ استثنائی را برای این اصل قرار نداده است؛ «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند».

یعنی برخلاف قانون اساسی مشروطه که قضات محاکمه کننده با اتفاق آرا و به دلیل آنچه در این قانون به عنوان ضرورت محرمانه بودن یاد شده می‌توانستند محاکمه را غیر علنی کنند در قانون اساسی اخیرالذکر به هیچ دلیل یا مبنایی نمی‌توان در جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) ولو با قید ضرورت محرمانگی، دادرسی را غیر علنی کنند.

با نگاهی به شرح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، هر چند یکی از اعضای این مجلس با این توضیح که: «در محاکمات سیاسی هم علنی بودن گاهی مخل به نظم عمومی است و... در اینجا این علنی را بردارید یا به همان اطلاق اصل قبلی

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۲۳

اکتفا کنید یا باید اینجا نیز این قید را هم بیاورید...»<sup>۱</sup> (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۶۷۹)، به مخالفت با اطلاق علنی بودن محاکمات جرائم سیاسی پرداخته بود اما عموم اعضا در هنگام تصویب اصل یکصدوشصت و هشت بر این نظر و اعتقاد بوده‌اند که اگر «جرم سیاسی و مطبوعاتی علناً محاکمه شود این جلوی بسیاری از مفاسد و مضیقه‌ها را می‌گیرد بنابراین، ... {اگر دادگاه‌ها} هر وقت که خلاف نظم تشخیص دادند سری انجام دهند واقعاً مثل این است که این اصل را اصلاً ما نداشته باشیم...» (همان: ۱۶۸۱-۱۶۸۰). گفتنی است اصل یکصدوشصت و هشتتم با رأی قریب به اتفاق اعضا (۵۷ رأی موافق، دو رأی مخالف و دو رأی ممتنع) به تصویب نهایی رسید. با تصویب این اصل مشخص شد قانون اساسی اصرار دارد که «دادگاه مجرمان سیاسی که مدعی دفاع از حقوق مردم هستند و به خاطر آنان در برابر حکومت ایستاده و همه چیز خود را به خطر انداخته‌اند، ضرورتاً باید با حضور مردم برگزار شود» (عباسی فرد، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

همان گونه که صحبت شد و با توجه به مشروح مذاکرات اعضای مجلس خبرگان پیرامون این موضوع، مجلس خبرگان در قانون اساسی به صورت آگاهانه تفکیکی میان جرائم عمومی و سیاسی در بحث رسیدگی علنی قائل شده و برای محاکمات جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) عمداً هیچ گونه استثنائی قائل نشده است. در واقع و به تعبیر برخی نویسندگان حقوقی، مجلس خبرگان «جرائم سیاسی را استثنائات بر استثنائات اصل یکصدوشصت و پنجم قانون اساسی قرار داده» (رحمانی، ۱۳۹۹: ۱۸۰) و مطلقاً این جرائم بدون هیچ گونه استثنائی باید به صورت علنی مورد رسیدگی قرار گیرند؛ بنابراین برخلاف جرائم عمومی که مقام قضایی در موارد مشخص شده (که بعضاً تفسیر بردار و مبهم نیز هستند) می‌تواند دادرسی را بنا بر مصالح عفت و نظم عمومی

---

۱. صحبت‌های آقای طاهری خرم‌آبادی.

یا مصلحت اصحاب دعوی غیرعلنی سازد، در جرائم سیاسی این اختیار از دادرس سلب شده و وی در تمام مواردی که پرونده مرتبط با جرائم سیاسی یا مطبوعاتی است حتی در موارد خلاف نظم عمومی، یا منافی عفت یا عدم رضایت طرفین دعوی، به برگزاری محاکمه به صورت علنی مکلف است. هرچند برخی نویسندگان حقوقی طی این سال‌ها تلاش داشتند با ارائه تفاسیری از اصل یکصدوشصت‌وهشت، این اطلاق‌انگاری را در پذیرش این اصل قانون اساسی محدود کنند (همان، ۱۳۹۷: ۱۱۸) اما اصل یکصدوشصت‌وهشت به نحوی نگاشته شده که مبهم و تفسیربردار نبوده و نمی‌توان تفسیری متفاوت از آن استنباط کرد.

گفتنی است طی سال‌های قبل و حتی چندین دهه پس از انقلاب اسلامی به دلیل فقدان تعریفی مشخص از جرم سیاسی و همچنین تعیین مصادیق آن محاکم، مرتکبان این طیف جرائم را عموماً با تعبیر و طبقه‌بندی جرائم امنیتی تحت محاکمه قرار داده و از این‌رو این اشخاص از بسیاری امتیازات مختص جرائم سیاسی بی‌بهره می‌شدند. عدم تعریف جرائم سیاسی و تعیین مصادیق، از رویکرد مصلحت‌اندیشانه قانون اساسی مشروطه سرچشمه گرفته و این سنت تقنین «فرار از تعریف جرم سیاسی» مختص قانونگذار ایرانی نبوده و در عموم کشورها (حتی کشورهای توسعه‌یافته) نیز جاری و ساری است (همان، ۱۳۹۵: ۹۳۰)؛ یعنی قوانین اساسی کشورها صرفاً به تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عادی پرداخته و تمایز در رسیدگی به این دو طیف جرائم را تحت تصریح قرار می‌دهند غافل از اینکه دادرسی فرع بر شناخت ماهیت جرم سیاسی بوده و بدون تعریف جرم سیاسی، تبیین ماهیت آن و تعیین مصادیق و ویژگی‌ها، امکان اجرای مقررات ارفاقی درباره مرتکبان جرائم سیاسی وجود ندارد. شاید قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ یکی از معدود قوانین اساسی کشورها باشد که قانونگذار عادی را به تعریف جرم سیاسی و تبیین مصادیق آن مکلف کرده است که



اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۲۵

این مهم در سال ۱۳۹۵ جامه عمل به خود پوشیده و رنگ واقعیت به خود گرفت. اگر بخواهیم اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی را در بوته نقد بگذاریم می‌توان گفت اطلاق انگاری موجود در این اصل هر چند در برخی موارد مانع برخورد سلیقه‌ای دادرس دادگاه در غیرعلنی کردن رسیدگی می‌شود اما نمی‌توان منکر آسیب‌هایی شد که ممکن است در این اطلاق انگاری نهفته باشد. آسیب‌هایی که با رسیدگی علنی به نظم عمومی، مصالح خانوادگی یا عفت و اخلاق عمومی وارد می‌سازد محتمل بوده اما این صدمه و آسیب عموماً در جرائم مطبوعاتی زیاد بوده و در جرائم سیاسی با توجه به شرایط و ضوابطی که برای تعیین مصادیق این جرم در قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ قرار داده شده، امکان بروز این موارد آسیب به استثنای آسیب به نظم عمومی نامحتمل یا بعید است.

#### ۴. اصل رسیدگی علنی به جرائم در آینه قوانین عادی

در اینجا در بادی امر و به اقتضای ضرورت، نگاهی مختصر به اصل رسیدگی علنی به جرائم عمومی و استثنائات حاکم بر آن پرداخته و در ادامه موضوع در جرائم سیاسی تحت بررسی قرار می‌گیرد.

##### ۴-۱. در جرائم عمومی

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل رسیدگی علنی به جرائم در ماده (۳۵۲) مورد تصریح واقع شد: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف) امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب) علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد». مطابق

این ماده در همه محاکمات دادگاه‌های کیفری اعم از دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه انقلاب، دادگاه‌های نظامی و حتی ویژه روحانیت<sup>۱</sup> «اصل»، رسیدگی علنی به جرم است و رسیدگی غیرعلنی فقط در موارد مندرج در این ماده امکان‌پذیر است. فقط جرائم اطفال و نوجوانان استثنا شده و در جرائم این قشر چه در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (ماده ۲۲۵) و چه از فحواى ماده (۴۱۳)، اصل بر رسیدگی غیرعلنی خواهد بود (کاظمی، ۱۳۹۸: ۲۴۵) و این امر به دلیل مصلحت اطفال و نوجوانان ضرورتاً می‌بایست هیچ استثنائی نداشته باشد.

در خصوص موارد مندرج در ماده (۳۵۲) توضیح چند نکته ضروری است: اول، ماده (۳۵۲) به تبعیت از اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی ضمن پذیرش اصل علنی دادرسی در جرائم، این اصل را بدون استثنا تلقی نکرده و در مواردی که موضوع، «لطمه به نظم عمومی»، «لطمه به عفت عمومی» و «تضییع حقوق و حیثیت افراد» در میان باشد جواز غیرعلنی بودن دادرسی را صادر کرده است. تمام بندها و موارد مقرر در ماده (۳۵۲) در سه موضوع فوق قابلیت خلاصه شدن دارند. دوم، از میان موارد مجاز غیرعلنی کردن دادرسی، جرائم قابل گذشت با درخواست طرفین و همچنین امور خانوادگی و منافی عفت یا اخلاق چون در قانون مجازات اسلامی تعریف و ضوابط و معیارهای شناخت هریک مشخص شده لذا شناخت آنها با دشواری اندکی مواجه است اما بند دوم ماده (۳۵۲)، یعنی «مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی بودن» مبهم و تفسیربردار بوده و امکان اختلاف رویه و نظر را ایجاد خواهد کرد. محاکم با تفسیر موسع از این بند ممکن است عموم محاکمات خود را غیرعلنی ساخته و از این جهت اصل رسیدگی علنی به جرم را کنار

۱. در عمل رسیدگی در این دادگاه کاملاً غیرعلنی است و حتی اجازه حضور وکلای غیرمعمم خارج از افراد از قبل تعیین شده نیز داده نشده اما در آیین‌نامه این دادگاه، هیچ تصریحی به غیرعلنی بودن دادرسی نشده است.

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۲۷

گذارده و عملاً این اصل با «تخصیص اکثر» که در ادبیات فقهی و حقوقی ناپسند و غیرقابل قبول بوده مواجه شود. سوم، از سیاق واژگان به خدمت گرفته شده در ماده (۳۵۲) این گونه برمی آید که پس از اظهار عقیده دادستان و اگر در پرونده یکی از موارد فوق الذکر وجود داشته باشد، دادگاه «مختار» در غیرعلنی کردن نیست بلکه «موظف» به انجام این کار است؛ یعنی اینکه دادگاه نمی تواند در موارد لطمه که در بالا بیان شد، همچنان اصرار بر علنی برگزار شدن رسیدگی داشته باشد مگر اینکه احتمال لطمه ضعیف بوده یا قاضی به ادله قانع کننده ای که احتمال لطمه را برای وی اثبات کند دسترسی نداشته باشد در این موارد همچنان اصل بر برگزاری جلسه رسیدگی به صورت علنی خواهد بود. چهارم، اگر دادگاه تصمیم بر غیرعلنی کردن دادرسی داشته باشد باید به صدور «قرار» مبادرت کند؛ اما با توجه به اینکه تکالیفی برای ابلاغ این قرار به طرفین دعوی وجود ندارد و همچنین در تبصره «۲» ماده (۴۲۷) در بحث آرای قابل تجدیدنظر، به قرار غیرعلنی شدن دادرسی اشاره ای نشده، لذا می توان گفت این قرار قابلیت اعتراض یا تجدیدنظرخواهی نداشته و قطعی است. البته اگر در موارد غیرموجه صادر شده باشد می تواند موجبات محکومیت انتظامی مقام صادرکننده را فراهم آورد.

#### ۲-۴. در جرائم سیاسی

با تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ ادوار قانونگذاری ایران برای نخستین بار، صاحب یک قانون ماهوی در حوزه جرم سیاسی شد که به تعیین مصادیق و قلمرو این جرم می پردازد. تا قبل از این قانون و در نبود قانون جرم سیاسی، تأکید اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی برای رسیدگی علنی فقط در جرائم مطبوعاتی جنبه عینی به خود گرفته اما در ادامه و با تصویب قانون جرم سیاسی این اصل در تمام محاکمات کیفری جرائم سیاسی و مطبوعاتی حکم فرما شد.

قانونگذار در راستای احترام به اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی و به تأسی از آن، در قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی را برای نخستین بار مورد پذیرش قرار داد، به نحوی که در ماده (۱) این قانون تصریح می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در دادگاه صالحه صورت می‌گیرد...». همان‌گونه که مشخص است در این ماده به‌طور صریح و بدون هیچ‌گونه قید یا شرطی با تبعیت از اصل یکصد و شصت و هشتم، اصل رسیدگی علنی در جرائم سیاسی به‌نحو مطلق مورد پذیرش قرار گرفت. البته از زمان تصویب این قانون تا سال ۱۳۹۵ که قانون جرم سیاسی مورد تصویب و تأیید واقع شد، به دلیل فقدان تعریف و تعیین قانونی مصادیق جرم سیاسی، بحث رسیدگی علنی یا دیگر مشخصه‌های محاکمات در جرائم سیاسی از قبیل حضور هیئت منصفه و ... سالبه به انتفاء موضوع بود. گفتنی است با توجه به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و اختصاص یک ماده به موضوع رسیدگی علنی در جرائم سیاسی (ماده ۳۰۵)، چون این قانون آخرین اراده قانونگذار عادی در این حوزه بوده و به‌علاوه قابلیت جمع نیز ندارند لذا به نظر می‌رسد ماده (۱) قانون هیئت منصفه در حال حاضر نسخ شده (ضمنی) بوده و قابلیت انکار ندارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که آخرین اراده قانونگذار در حوزه امور کیفری شکلی نیز به حساب می‌آید، طی ماده (۳۰۵)، اصل علنی بودن دادرسی در جرائم سیاسی و مطبوعاتی مورد احترام و پذیرش قرار گرفته است. این ماده تصریح می‌دارد: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود». در این ماده آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند ارجاع ماده به یک ماده دیگر (ماده ۳۵۲) در راستای علنی بودن جریان رسیدگی‌های جرائم

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۲۹

سیاسی و مطبوعاتی است؛ یعنی برخلاف اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی که اصل علنی بودن را به نحو اطلاق و بدون هیچ گونه قید و شرطی مورد پذیرش قرار داده، اما در این ماده اصل علنی بودن، «با رعایت ماده (۳۵۲)» مورد تصویب و تصریح قانونگذار واقع شده است.

با نگاهی به شرح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در زمان بررسی ماده (۳۰۵) متوجه می‌شویم که عمده تمرکز نمایندگان در هنگام بررسی این ماده، بر جرائم مطبوعاتی بوده و بر این عقیده بوده‌اند که اطلاق‌انگاری در رسیدگی علنی به جرائم مطبوعاتی متضمن آسیب‌ها و صدمات فراوانی است و طی این سال‌ها نیز از این موضوع آسیب‌های فراوانی حادث شده است اما در هر صورت به جرائم سیاسی نیز در این ماده پرداخته شده و این ماده با شرح و کیفیت فعلی به تصویب مجلس رسیده است. ماده (۳۵۲) قانون آیین دادرسی کیفری همان گونه که در بالا نیز شرح داده شد قیود و استثنائات مهمی را به اصل علنی بودن محاکمه وارد دانسته به نحوی که بخش عمده‌ای از جرائم بر مبنای بندهای این ماده امکان رسیدگی علنی نداشته و عملاً هم قضات محاکم با استناد به بندهای این ماده و ابهام جاری و ساری در آنها در غالب رسیدگی‌های کیفری از ورود تماشاچیان و برگزاری محاکمه به نحو علنی خودداری می‌کنند. حال ماده (۳۰۵) با ذکر عبارت «با رعایت ماده (۳۵۲)»، عیناً همان قید و بندهای ماده (۳۵۲) را در کیفیت رسیدگی به جرائم سیاسی وارد کرده و عملاً امکان رسیدگی علنی به این جرائم را سلب کرده است.

نتیجه بالا از آنجا نشئت می‌گیرد که یکی از بندهای مقرر در ماده (۳۵۲)، «مخل امنیت عمومی» بودن جریان پرونده است؛ چراکه جرائم سیاسی و امنیتی پیوند و رابطه تنگاتنگی با یکدیگر داشته و اساساً یکی از موانع تعریف جرم سیاسی این سال‌ها در کشور ما (و سایر کشورها)، همین ارتباط نزدیک میان دو طیف جرائم

سیاسی و امنیتی بوده است. طی تاریخ تقنین کشورها، همواره قانونگذاران مبنا را بر این استوار ساخته‌اند که مجرمان سیاسی چون خدشه‌ای بر امنیت و نظم عمومی وارد می‌آورند و به دنبال تغییر ساختار سیاسی موجود هستند با دیده تردید و بدگمانی محض به ایشان در حوزه قانونگذاری تلاش داشته‌اند تا حد امکان اولاً، از تعریف جرم سیاسی و تعیین قلمرو مصادیق آن خودداری کرده و ثانیاً، عموم مصادیق جرم سیاسی از قبیل تبلیغ علیه نظام یا تخلفات انتخاباتی و ... را در دسته جرائم علیه امنیت تعریف کرده و از این طریق واکنش‌های کیفی شدیدتری را بر مرتکبان وارد سازند. حال چگونه است که قانونگذار رسیدگی علنی به جرائم سیاسی را در صورت احتمال ورود خدشه به امنیت عمومی ممنوع دانسته و به قاضی اختیار غیرعلنی کردن دادرسی را داده است؟

همه این توضیحات را باید در کنار این نکته مهم قرار داد که تصمیم‌گیری درباره علنی یا غیرعلنی کردن محاکمه به دادرس (پس از اخذ نظر دادستان) واگذار شده است و دادرس نیز به عللی از قبیل در معرض قضاوت افکار عمومی قرار نگرفتن (Mclachlin, 2014: 8) به تبع، تمایل بیشتری به غیرعلنی کردن محاکمه به‌ویژه در جرائم سیاسی خواهد داشت. به‌علاوه رسیدگی غیرعلنی به جرائم سیاسی راحت‌تر بوده و برای نظام سیاسی و قضایی نیز از تبعات منفی کمتری برخوردار است. از این رو حکمرانان سیاسی از یک‌طرف و تصمیم‌گیرندگان قضایی از طرف دیگر تمایل زیادی در غیرعلنی شدن رسیدگی خواهند داشت. پس طبیعتاً در جرائم سیاسی و با باقی ماندن این اختیار برای قاضی رسیدگی‌کننده، احتمال اندکی برای رسیدگی علنی به جرم سیاسی وجود خواهد داشت.

همچنین اگر مبنا و دلیل این اقدام قانونگذار عادی را، مصلحت‌سنجی عمومی بدانیم باز این پرسش مطرح می‌شود که چگونه است که قانون اساسی که بالاترین

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۳۱

و مهم‌ترین سند قانونی کشور است و تدوین‌کنندگان آن، این مصلحت‌سنجی را تشخیص نداده اما قانونگذاران عادی که موظفند در مصوبات خود علاوه بر شرع، اصول قانون اساسی را نیز مورد رعایت قرار دهند، اجتهاد در برابر نص کرده و همان قیود را بر سر راه رسیدگی علنی در جرائم عمومی به جرائم سیاسی نیز تسری داده‌اند. با این اتفافی که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ افتاده عملاً به دو اصل قانون اساسی در ارتباط با کیفیت رسیدگی به جرائم نیاز نبوده و همان اصل یکصدوشصت و پنجم کفایت می‌کرد؛ همان‌گونه که یکی از تدوین‌کنندگان قانون اساسی (یکی از اعضای مجلس خبرگان) نیز بر همین نظر بود (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۶۸۰)؛ اما همان‌گونه که قبلاً گفته شد قاطبه اعضای مجلس خبرگان با این نظر مخالفت کرده و نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی از نظر علنی بودن را متفاوت از جرائم عمومی دانسته و از این رو اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی به تصویب رسید.

گفتنی است شورای نگهبان نیز اگرچه تاکنون نظریه‌ای تفسیری درباره اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی ارائه نداده (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵) و شاید دلیل این امر نیز فقدان ابهام در مفاد اصل و همچنین وضوح و صراحت این اصل در موضوع نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) است، اما جالب آنجاست که همین شورا در جریان تأیید قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نه تنها اخطار قانون اساسی را به این قانون وارد نکرده بلکه حتی یکی از ایرادهای وارده به مصوبه مجلس را طی نظریه شماره ۴۸۳۲۸/۳۰/۹۱ مورخه ۱۳۹۱/۷/۲۳ خود همین اطلاق‌انگاری این ماده دانسته و اعلام داشته که «اطلاق ماده ۳۰۵ در مواردی که علنی بودن دادگاه مخل نظم عمومی و... باشد خلاف موازین شرع شناخته شده است!» (سلیمی، ۱۳۹۹: ۲۵۷) و تنها پس از اینکه مجلس به اصلاح ماده (۳۰۵)

به وضعیت فعلی اقدام کرده و در آن لزوم رعایت ماده (۳۵۲) را وارد می‌کند، آن را پذیرفته است. این موضوع اشکالی را به شورای نگهبان وارد می‌سازد که به‌رغم اطلاق و تصریح اصل یکصدوشصت‌وهشت اما قانون عادی (ماده ۳۰۵) در تعارض آشکار با آن بوده و این شورا که بنابر اصل نودویک وظیفه حفاظت و حراست از قانون اساسی را عهده‌دار است نه‌تنها به تکلیف قانونی خود عمل نکرده بلکه مجلس را برای تصویب ماده (۳۰۵) به‌نحوی که در تعارض آشکار با اصل یکصدوشصت‌وهشت قانون اساسی باشد تحت فشار قرار داده است.

هرچند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به‌دلیل اطلاق‌انگاری اصل یکصدوشصت‌وهشت، تمام جرائم مطبوعاتی به‌صورت علنی مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند و این موضوع مورد انتقاد برخی نویسندگان حقوقی نیز قرار گرفته و با بررسی میدانی از دادگاه‌های علنی به این نتیجه دست یافته بودند که این رسیدگی علنی آسیب‌های فراوانی را در برخی موارد به‌بار می‌آورد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۱۸۰)، اما در هر صورت و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ عملاً رویه قضایی به‌سمت استثنایپذیری بر اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) حرکت کرده و به‌نوعی قانون عادی را بر قانون اساسی مقدم داشته است. شاید آنچه این حرکت و رویه را شدت بخشیده عدم اعتراض یا ایراد شورای نگهبان در هنگام بررسی و تأیید قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ بوده که به‌رغم تعارض آشکار ماده (۳۰۵) این قانون با اصل یکصدوشصت‌وهشت اما ایراد یا اشکالی مطرح نکرده و این ماده قانونی را با همین کیفیت مورد تأیید قرار داده است.

همچنین همان‌گونه که از نظر تطبیقی رویه قانونگذاری و قضایی کشورهای دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفت، حتی در جرائم سیاسی نیز باید استثنائاتی بر اصل رسیدگی علنی وجود داشته باشد هرچند این استثنائات کمتر و محدودتر از جرائم



اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۳۳

عمومی خواهد بود اما هنگامی که قانون اساسی با ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های خاص خود، هیچ استثنائی را برای این اصل در این جرائم مورد پذیرش قرار نداده است قانونگذار عادی نمی‌تواند و حق ندارد ولو با مصلحت‌سنجی و سر خیرخواهی استثنائی را بر سر راه اطلاق اصل یکصد و شصت و هشت قرار دهد و در این راستا تنها با اصلاح قانون اساسی می‌توان مواردی را به‌عنوان استثنا برای این اصل مورد پذیرش و اعمال قرار داد. این اصلاح می‌تواند با این رویکرد اتخاذ شود که حداقل در اصل رسیدگی علنی برای برخی موارد استثنائات لازم است و این امر در عموم نظام‌های حقوقی به‌ویژه قوانین کشورهای مترقی نیز پذیرفته شده است. موضوع منافی عفت و اخلاق در پرونده یکی از مواردی است که با علنی شدن روند رسیدگی، امنیت جامعه را شدیداً درگیر می‌کند؛ از این رو می‌توان آن را از اطلاق اصل رسیدگی علنی خارج کرد و این امر منافاتی با مبانی و تأکیدات اصل رسیدگی علنی نخواهد داشت.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قانون اساسی با اختصاص یک اصل مجزا به جرائم سیاسی (و مطبوعاتی) و برقراری اصل رسیدگی علنی به این جرائم اصرار بر برگزاری رسیدگی علنی به جرائم سیاسی بدون قرار دادن هرگونه قید یا بندی داشته است. این رویکرد قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ متفاوت از سلف خویش یعنی قانون اساسی مشروطه و برخلاف رویه متخذه در قوانین اساسی اغلب کشورها حتی کشورهای توسعه‌یافته است. این رویه قانون اساسی هرچند بدیع و بدون در نظر گرفتن مصلحت‌اندیشی‌های رایج در قوانین بسیاری از کشورها بوده که حتی در جرائم سیاسی نیز برخی موارد امکان رسیدگی غیرعلنی را پذیرفته‌اند و مسلماً نگاه انقلابی و وضعیت سیاسی ابتدای انقلاب در آن نقش زیادی داشته اما در هر صورت و با هر دلیل که واضعان قانون اساسی این کار را

انجام داده‌اند این قانون و اصل یکصد و شصت و هشت آن لازم‌الاتباع بوده و هیچ قانون عادی‌ای نمی‌تواند حاوی مقررره یا ماده‌ای برخلاف آن باشد.

با وجود صراحت این اصل، مع‌الاسف قانونگذار عادی در ماده (۳۰۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قیود و استثنائاتی را بر سر راه اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی قرار داده و کیفیت رسیدگی به این جرائم را عیناً مشابه جرائم عمومی در نظر گرفته است؛ غافل از اینکه اگر مجلس خبرگان قانون اساسی چنین نظری داشتند هیچ‌گاه موضوع رسیدگی علنی به جرائم عمومی و سیاسی را در دو اصل جداگانه مطرح و از یکدیگر تفکیک نمی‌کردند به نحوی که برای جرائم عمومی، اصل رسیدگی علنی را همراه با برخی استثنائات قرار داده اما برای جرائم سیاسی این اصل را صرف‌نظر از هرگونه استثنا یا قیدی برقرار سازند.

بنابراین ماده (۳۰۵) قانون آیین دادرسی کیفری در راستای استثنای پذیردگی اصل رسیدگی علنی در جرائم سیاسی ولو هر مصلحت‌اندیشی یا مقاصد خیرخواهانه‌ای که در آن نهفته باشد مخالف قانون اساسی و اصل یکصد و شصت و هشت بوده و به اصلاح و بازنگری فوری نیازمند است.

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... — ۱۳۵

## منابع و مأخذ

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، جلد سوم، چاپ اول، تهران.
۲. امیدی، جلیل و سمیه نیکویی (۱۳۸۷). «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، ش ۳.
۳. پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۹). جرم سیاسی، چاپ دوم، تهران، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش.
۵. حاجی پور کندرود، علی (۱۳۹۸). «ارزیابی قابلیت اعمال اصل علنی بودن دادرسی‌ها در مراجع اختصاصی اداری»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال اول، ش ۱.
۶. حیدری، سیروس و حمید حمیدیان (۱۴۰۰). «اصل علنی بودن دادرسی مدنی»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، ش ۱.
۷. خالقی، علی (۱۳۸۳). «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۵.
۸. خسروی، کاظم و عبدالرضا اصغری (۱۳۹۶). «قانون جرم سیاسی در سنجه اصل یکصدوشصت‌وهشت قانون اساسی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۳.
۹. خندانی، وحید، محمدباقر عامری‌نیا و قوام کریمی (۱۴۰۰). «اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال هفدهم، ش ۶۵.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، جلد دهم، چاپ دوم، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۱. رحمانی، قدرت‌اله (۱۳۹۵). «تعریف جرم سیاسی؛ الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۴.
۱۲. رحمانی، قدرت‌اله (۱۳۹۷). جرم سیاسی در حقوق ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۳. رحمانی، قدرت‌اله (۱۳۹۹). «استثناپذیری اصل علنی بودن دادرسی در رسیدگی به جرائم رسانه‌ای؛ گذار از یک سنت معیوب قضایی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، ش ۳۱.
۱۴. زراعت، عباس (۱۳۷۷). جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۵. سلیمی، امیررضا (۱۳۹۹). «واکای قانون جرم سیاسی در پرتو مواد (۳۰۵) و (۳۵۲) قانون آیین دادرسی کیفری و اصل یکصد و شصت و هشت قانون اساسی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۴۱.
۱۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. عالی‌پور، حسن و نوروز کارگری (۱۳۸۹). جرائم ضد امنیت ملی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۸. عباسی، محمدرضا (۱۳۹۱). «جرم سیاسی در فقه اسلامی: واکای اصل (۱۶۸) قانون اساسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، ش ۶۵.
۱۹. فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان، چاپ اول، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۲۰. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
۲۱. کاظمی، سیدسجاد (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۲۲. محبی، جلیل (۱۳۸۹). «بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، ش ۳۱.
۲۳. محمدعلی‌زاده اشکلک، حبیب و یاسر رشیدی (۱۳۹۸). «بررسی اصول دادرسی منصفانه در محاکم کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، آموزه‌های حقوقی گواه، سال ششم، ش ۱۰.
۲۴. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۷/۳/۲۸). «در اسلام جرم سیاسی نداریم»، روزنامه اعتماد.
۲۵. نیکوئی، سمیه (۱۳۸۵). «الزامات اصل علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۰، ش ۵۶-۵۷.
۲۶. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، انتشارات میزان.

اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی؛ «استثناپذیری» قانون آیین دادرسی کیفری ... ————— ۱۳۷

۲۷. ————— (۱۳۸۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان.

28. Alemanno, Alberto and Oana Stefan (2014). “Opens at the Court of Justice of the European Union: Toppling a Taboo”, Forth Coming in 51 Common Market, *Law Review*, Issue 1.

29. Bledose, Rober L. and Boleslaw A. Boezek (2014). *The International Law Dictionary*, Santa Barbara, Calif: ABC. CLIO, Inc USA, No.142.

30. McLachlin, Beverley (2014). *Openness and the Rule of Law*, London: Remark at the Annual International Rule of Law Lecture.

31. Sills, David L. (Editor) (2016). *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Vol. 12., New York: the Macmillan Company and the Free Press.